



انترناسیونال ۲۲۰

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۹ آذر ۱۳۸۶، ۳۰ نوامبر ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

”شورای ملی صلح“: دوم خرداد در شرایط جنگی!

در روزهای اخیر شیرین عبادی همراه با تعداد دیگری از شخصیت های ملی مذهبی و دو خردادی های خارج از حکومت، و با حمایت سازمان آبرویاخته ”اکثریت“، طرحی تحت نام ایجاد ”شورای ملی صلح“ را اعلام کرده است. این صف یکبار شکست خورده اپوزیسیون پرو رژیمي حالا قرار است به بهانه جنگ و با شعار ”جنگ نه، صلح و حقوق

صفحه ۶



ستون اول

حمید تقوایی

علیه جنگ یا علیه مردم؟ اپوزیسیون پرو رژیم با بیرق صلح، ملیت، و مدنیت

خصلت و مضمون مشترک سیاست ها و مواضع نیروهای مختلف اپوزیسیون ضد جنگ (تقریباً همه این نیروها بجز حزب ما) در قبال حمله احتمالی آمریکا به ایران نادیده گرفتن و بحساب نیارودن و یا در بهترین حالت فرعی و حاشیه ای کردن مبارزات و اعتراضات جاری مردم علیه جمهوری اسلامی است. همه گوئی دارند از خطر حمله به يك جامعه صامت و راکد صحبت میکنند. گوئی اگرهم مبارزه و اعتراضی هست تحت تاثیر تشعشعات جنگی که هنوز شروع نشده دود شده و به هوا رفته است و در هر حال اهمیت و موضوعیت خود را از دست داده است! گویا ضدیت با جنگ و ضدیت با جمهوری اسلامی دو امر بی ربط و یا مانع الجمع با یکدیگر هستند و اولی را تنها میشود با کنار گذاشتن و یا فرعی کردن دومی به پیش برد! این نوع ضدیت با جنگ اساساً بر مبنای سه محور و شعار مشخص ملیت، صلح و مدنیت صورت میگیرد:

ملیت: تب ناسیونالیسم و دفاع از
تمامیت ارضی در مقابل جنگ
بالا گرفتن تب ناسیونالیستی و دفاع از

صفحه ۲

به استقبال ۱۶ آذر برویم! گفتگو با شهلا دانشفر و نوید مینایی



نوید مینایی

مجموعه این شرایط تاثیر خود را

صفحه ۳

اعتراضی به سر میبرند و از سوی دیگر سایه جنگ بر سر جامعه سنگینی میکند. بویژه ما شانزده آذر سال گذشته که سرخ و با شکوه بود را پشت سر گذاشته ایم و

بسیار متحولی به استقبال شانزده آذر میرویم. شرایطی که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد، دانشگاهها از همان آغاز سال تحصیلی در جنب و جوش



شهلا دانشفر

انترناسیونال: در چه شرایطی به استقبال ۱۶ آذر میرویم؟
شهلا دانشفر: ما امسال در شرایط

زنده باد ۱۶ آذر سرخ و سراسری!
”آزادی، برابری، هویت انسانی!“

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

میهن و وطن از عوارض میبتوان گفت طبیعی و از برکات هر جنگی برای حکومت‌های درگیر در جنگ است. امروز این تب ناسیونالیستی در میان نیروهای راست عظمت طلب و ملی اسلامیون به شکل مقابله با تجزیه طلبی بالا گرفته است. از خطر تجزیه و از دست رفتن تمامیت ارضی کشور دم میزنند و برخی حتی اعلام میکنند حاضرند موقتا در کنار رژیم قرار بگیرند تا این خطر مرتفع شود. این مشخصا موضع آقای داریوش همایون و بخشی از سلطنت-جمهوریخواهان هم مسلک ایشان است. اما وطن پناهی این طیف علاوه بر عراق ناسیونالیستی دلایل مشخصی نیز دارد که مستقیما به اوضاع منطقه و تغییرات در سناریوی رژیم پنج آمریکا مربوط میشود. کسانی که امروز اعلام میکنند در صورت حمله آمریکا کنار جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت تا چندی قبل، و مشخصا در مقطع حمله آمریکا به عراق، خود را برای بقدرت رسیدن روی بال کروزهای آمریکائی آماده میکردند. اما تجربه عراق این رویا را بر هم زد. معلوم شد در سناریوی جنگی آمریکا برای تغییر رژیم ناسیونالیسم عظمت طلب عملا جانی ندارد و این نیروهای قومگرا هستند که بجلو صحنه می آیند و میدان پیدا میکنند. معلوم شد از امثال چلبی و ظاهرشاه کاری ساخته نیست و درعوض طالبانی ها و بارزانیها و ملکی ها و کرزای ها کار بدست میشوند. در مورد مساله ایران هم از هم اکنون لطف و بودجه جنگ طلبان آمریکائی بیشتر نیروها و دار و دسته های قومی در مرزهای ایران را مورد توجه قرار داده تا سلطنت طلبان لس آنجلس نشین را. این شرایط است که عرق وطن پرستی و عشق به تمامیت ارضی را در میان کسانی مثل داریوش همایون به جوش آورده و ایشان را در کنار جمهوری اسلامی قرار داده است.

صلح، دموکراسی و حقوق بشر: بیریق صلحدوستان حکومتی

بخشی از دودخرداد، شیرین عبادی و سازمان اکثریت و نیروهای نظیر آنها با پرچم صلح و دموکراسی و حقوق بشر در برابر جنگ به میدان آمده است. معنی عملی و واقعی این شعار تقسیمبندی حکومتیان به صلح طلب و جنگ افروز و حمایت از اولی ها در برابر دومیها است. قرار است يك بار دیگر اپوزیسیون پرو رژیم این بار تحت زعامت رفسنجانی و کروی احیا شود. می خواهند کمدی رفرمیسم اسلامی در مقابل ولی فقیه را این بار در قالب مجادله جناح صلح طلب و جناح جنگ افروز به خورد مردم بدهند و کمیته "انتخابات آزاد" شان را هم از همین حالا سرهم کرده اند. برای دودخرداد رسوا و حاشیه ای شده این فرصتی برای عرض اندام و جمع آوری نیروی مجدد در میان اپوزیسیون راست و هراسان از انقلاب است. اینها در جامعه و در میان مردم شانس ندارند، جامعه يك بار برای همیشه از خط و سیاست دل بستن به دعوای بالائی ها برای استحاله و اصلاح تدریجی رژیم عبور کرده است. تلاش اینها برای مطرح شدن مجدد خط جمهوری اسلامی دوم (جمهوری بالائینها و بویژه در نزد آمریکا و دولتهای غربی است. می خواهند زیر سایه تهدیدات جنگی برای کالای باد کرده "اسلام دموکراتیک" شان مشتری پیدا کنند اما آب درهاون میگویند. اگر قرار بود دموکراسی و حقوق بشر، آنها با طعم پروتستانیسم اسلامی، در میان مردم خریدار داشته باشد کار و کسب خانم عبادی که همین پرچم را در مقطع گرفتن جایزه نوبل اش برافراشت باید خیلی پر رونق تر از این

میبود. در هر حال این نیروها نه تنها هیچ زمان سرنگونی طلب نبوده اند، بلکه همیشه مقابله با مبارزات و اعتراضات مردم و دفاع از کلیت این نظام در مقابل این مبارزات علت و فلسفه وجودی آنان را تشکیل میداده است. در مورد جنگ نیز عینا همین سیاست و اهداف را دنبال میکنند. صلح و دموکراسی برای اینان در واقع پرچم دفاع از کلیت نظام در مقابل مردم است.

مدنیت و خطر سناریوی سیاه: نسخه اپوزیسیون مستاصل در مقابل جنگ

برخی نیروهای چپ و مشخصا حزب "حکمتیست"، در برابر خطر جنگ از هم گسیخته شدن شیرازه جامعه و عرافیزه شدن جامعه را عمد و برجسته میکنند. ازینرو نسخه اینها برای جامعه، در صورت وقوع جنگ مقابله با وضعیت سناریوی سیاه از طریق التزام و تعهد نیروهای اپوزیسیون به يك سری آزادیهای سیاسی است (البته در کنار دفاع مسلح از سوپرمارکتها در مقابل "خطر غارت و چپاول" مردم). این نوع موضع گیری در مقابل جنگ و خطر سناریوی سیاه در واقع رجوع به آینده برای تعیین سیاستهای امروز در قبال نیروهای دیگر اپوزیسیون، در مقابل جمهوری اسلامی، و در برخورد به مبارزات انقلابی مردم است.

خطر سناریوی سیاه برجسته شده است تا جنبش انقلابی و مبارزات سرنگونی طلبانه امروز مردم دور زده شود و جای خود را به مقابله با سناریوی سیاه، آنها از طریق گرفتن امضا از نیروهای اپوزیسیون، بدهد. واقعیت اینست که پیش شرط اساسی سناریوی سیاه، یعنی استیصال و نومیدی مردم در جامعه ایران وجود خارجی ندارد. ایران جامعه ساکن و راکدی نظیر عراق دوره صدام حسین و یا افغانستان دوره طالبان نیست. مبارزات کارگری، جنبش دانشجویی، جنبش آزادی زن و جنبش علیه مذهب و اعدام و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی هیچ زمان مانند امروز در جامعه ایران وسیع و عمیق و چپ و رادیکال نبوده است. این جامعه ایست که در برابر وحشیانه ترین سیاستهای

سرکوبگرانه رژیم نه تنها به زانو در نیامده و خاموش نشده بلکه دست به تعرض زده است. علم کردن خطر سناریوی سیاه در چنین جامعه ای تنها میتواند نشاندهنده استیصال و بی افقی طرح کنندگان آن باشد. در این مورد نیز موضع این نیروها در قبال جنگ ادامه سیاست عمومی آنها در قبال رژیم و جنبش سرنگونی طلبانه مردم است. "حکمتیستها" قبل از مطرح شدن خطر حمله نظامی آمریکا و بالا گرفتن این مساله در میان اپوزیسیون، حکم شکست جنبش سرنگونی و سلطه هژمونی نیروهای راست در جامعه را اعلام کرده بودند و حتی کوشیدند تا سیاست بحرانسازی نظامی در مرزها و وارد شدن به صحنه قدرت سیاسی از این طریق را در پیش بگیرند. جنگ و بالا گرفتن تهدیدات جنگی برای رهبری این خط در واقع فرجی بود تا سیاستهای مبارزات مردم و شیوه های مقابله با جمهوری اسلامی را در بسته بندی تازه مقابله با خطر جنگ عرضه کند. دارند همان خط و افق راست و نقد رد شده منشور سرنگونی شان را این بار به بهانه مقابله با خطر سناریوی سیاه عرضه میکنند. به "مرگ" سناریوی سیاه گرفته اند که مردم به "تب" منشور نوع دودخردادیشان رضایت بدهند. این نه راه مقابله با سناریوی سیاه، بلکه عملا و در جهان واقعی زمینه ساز آن است.

راه واقعی مقابله با جنگ: تشدید مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی

وجه مشترک این سه نوع سیاست در قبال جنگ که از جانب نیروهای مختلفی مطرح میشوند و ظاهرا بر نکات متفاوتی هم تاکید میکنند، عوض کردن صورت مساله جامعه از حکومت و امر سرنگونی جمهوری اسلامی به مساله حمله نظامی آمریکا است.

آنچه در این شعارها و راهکارها کاملا غایب است نقش مردم و مبارزات و اعتراضات آنها است. ضدیت با جنگ بجای ضدیت با جمهوری اسلامی نشسته و نه به جمهوری اسلامی جای خود را به نه به جنگ داده است. این موضعگیریهای نیروهای اپوزیسیون

را باید از اولین برکات جنگ، جنگی که هنوز حتی آغاز نشده، برای جمهوری اسلامی دانست.

با این همه باید توجه داشت که این خطر جنگ و موضع گیری در قبال جنگ نیست که این نیروها را به چنین موضعی نسبت به رژیم و مبارزات انقلابی مردم رسانده است. مساله برعکس است. منشأ و مبنای سیاست ضد جنگی این نیروها مواضع و سیاستهای عمومی شان، با جنگ و یا بدون جنگ، در قبال رژیم و مبارزه انقلابی مردم علیه حکومت است. خطر جنگ تنها "آنجنان را آنچنان تر" کرده است. نیروهایی که هیچگاه اعتقاد و اتکائی به جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم نداشته اند و در استراتژی و سیاستهایشان انقلاب جایگاهی نداشته است از خطر جنگ بهانه ظاهرا مقبول و وجه المله ای برای طرح صریح تر و بر پرده تر سیاستهایشان یافته اند. اما این سیاستها در میان مردم و در جامعه خریداری ندارد. این نوع مقابله با جنگ "گفتمانی" است که در میان نیروهای اپوزیسیون رویگردان از انقلاب و جنبش انقلابی مردم علیه حکومت باب شده و کاربردش بیشتر پاسخگویی به سردگمی و بحرانی است که گریبان خود اینان را گرفته است. مردم نه سردرگم اند و نه درمانده و مستاصل. مردم، کارگران و دانشجویان و زنان و دیگر بخشهای معترض جامعه، مدتهاست با شعار "نه جنگ نه بمب"، نه انرژی هسته ای و نه حقوق صد وهشتاد هزار تومنی" و "معیشت منزلت حق مسلم ماست" (در پاسخ به شعار انرژی هسته ای حق مسلم ما است رژیم) موضع و سیاست خود را در قبال حکومت اسلامی و جنگ اش اعلام کرده اند. مردم مدتهاست اعلام کرده اند و در مبارزات خود عملا نشان داده اند که تحت تاثیر فضای جنگی و تبلیغات جنگی حکومت و اپوزیسیون پرو رژیمی از مبارزات خود برای خواستههای برحقشان دست نخواهند کشید. جامعه مدتهاست که از افق و خط دو خردادی عبور کرده و به افق انقلاب و نقد چپ و سوسیالیستی از حکومت و کل وضعیت موجود روی

از صفحه ۱ به استقبال ۱۶ آذر میرویم ...

بر شانزده آذر امسال میگذارد. واقعیت اینست که در چند ماهه اخیر جمهوری اسلامی در برابر اعتراضات گسترده بخش‌های مختلف جامعه موج جدیدی از سرکوب را در دستور گذاشت. اما اعتراضات هر روزه مردم ناتوانی رژیم در ایجاد فضای رعب و به عقب راندن جامعه را به خوبی نشان داد. در برابر موج سرکوب جمهوری اسلامی، ما شاهد یک رودرویی وسیع از سوی جامعه بودیم. از جمله ما تظاهرات ۱۶ مهر دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به حضور احمدی نژاد و با شعار مرگ بر دیکتاتور را داشتیم، ما فراخوان جهانی (۱۶ شهریور) هفت سپتامبر زندانیان سیاسی به اعتراض علیه اعدام و علیه فشار بر زندانیان سیاسی را داشتیم، ما یازده روز اعتصاب با شکوه ۴۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه و بدنبال آن اعتراض ۱۲۰۰۰ کارگر کشت و صنعت کارون و اعتراضات همزمان دهها کارخانه در نیشابور و مبارزه کارگران شاهرود در سمنجان و نمونه این اعتراضات در عسلویه و پتروشیمی و پالایشگاه آبادان و غیره را داشتیم. ما برپایی مراسم خاوران با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد و صدا در آمدن سرود انترناسیونال در این مراسم را داشتیم. ما برپایی مراسم های با شکوه روز جهانی کودک در سمنجان و تهران و شهرهای مختلف را داشتیم، ما مبارزه گسترده زنان علیه تهاجم رژیم تحت عنوان مبارزه با بدحجابی را داشتیم بطوریکه آمار دولتی خود از ابعاد میلیونی تقابل مردم با اوباش حزب الله تحت عنوان "زنانی که بدحجابی کرده اند"، سخن میگوید. همه اینها نشانگر اینست که مردم بار دیگر سیاست احمدی نژاد این رژیم را به شکست کشاندند. نشان میدهد که مردم در برابر موج جدید سرکوب رژیم، مرعوب نشدند و ایستادند و ما در متن چنین شرایطی است که به استقبال شانزده آذر میرویم. در شرایطی که شعارهایی چون زندانی سیاسی آزاد باید گردد، آزادی برابری هویت انسانی، سوسیالیسم یا بربریت، دیکتاتور پرگمشو از جمله شعارهای معمول دانشجویان در مناسبت های مختلف است و در بسیاری از این اعتراضات پلاکاردهایی چون جنبش دانشجویی

متحد جنبش زنان و جنبش کارگری است، به شعارهایی ثابت و پایه ای تبدیل شده است. با نگاهی به همه این اتفاقات ما شاهد رشد یک جنبش انقلابی بالنده با شعارهای رادیکال که چپ در آن دست بالا را دارد هستیم. ما شاهد سر بلند کردن یک جنبش سوسیالیستی هستیم که با شعارهای یا سوسیالیسم یا بربریت، آزادی برابری هویت انسانی، معیشت منزلت حق مسلم ماست به جلو آمده است و در چنین شرایطی است که ما به استقبال شانزده آذر میرویم.

اما اجازه بدهید اشاره ای هم به مساله جنگ بکنم. داغ شدن بحث جنگ تا همین جا به نعمتی برای رژیم تبدیل شده است. گفتمان بر سر جنگ بالا گرفته و طیف دوم خرداد حول این مساله تلاش دارد به خود سروسامانی دهد و با تشکیل شورای صلح و برپا کردن پرچم صلح، بخشی از اپوزیسیون را پشت جمهوری اسلامی بکشاند. این صفتی است که در واقع دارد خود را در برابر جنبش انقلابی بالنده در جامعه البته تحت عنوان جنگ و راه انداختن گفتمان آن متحد کند. این در واقع صف آرییی ضد انقلاب در برابر صف انقلاب یعنی صف مردم است. این تلاشی است برای تحت الشعاع قرار دادن مبارزات مردم با هیاهوی جنگ و داغ نگاهداشتن گفتمان جنگ. از اینرو در شانزده آذر که در واقع روز نه به جمهوری اسلامی و روز اعتراض کل جامعه است، این خود موضوعی است که تاثیرش را بر شانزده آذر امسال و فضای سیاسی آن میگذارد. اما بطور واقعی کارگران در همان اول مه با شعار ما انرژی هسته ای نمیخواهیم، دستمزد ۱۸۳ هزار تومان نمیخواهیم، ما کار میکنیم که زندگی کنیم، زندگی نمیکنیم که کار کنیم، موضع خودشان را در قبال این شرایط اعلام کردند. یک شانزده آذر بزرگ و با شکوه پاسخ درخور به تقلاهایی است که بالاتر به آن اشاره کردم. همه شواهد حاکی از این است که ما داریم به استقبال چنین شانزده آذری میرویم.

انترناسیونال: شانزده آذر چه جایگاه و اهمیتی دارد؟ با توجه به شرایطی که شهلا دانشفر به آن اشاره کرد،

امسال برگزاری با شکوه این روز چه جایگاهی دارد؟

نوید مینایی: همانطور که شهلا دانشفر هم اشاره کرد، امسال در شرایط ویژه ای به استقبال ۱۶ آذر می رویم. ۱۶ آذر روز اعتراض دانشجویان است. در واقع با تلاشی که طیف چپ در عرض ۲، ۳ سال گذشته داشته این اتفاق افتاده که این روز به روز اعتراض به کلیت حکومت و بیشتر از آن به کل نظام سرمایه داری تبدیل شده است. شعار سوسیالیسم یا بربریت و بیانیه های سوسیالیستی که در این روز از طرف دانشجویان صادر و خوانده می شود موید این است. اما ۱۶ آذر روز اعتراض دانشجویان به کل حکومت و سرمایه داریست در واقع به این معنا هم هست که دانشجویان زبان گویای جامعه است و تحولات سیاسی جامعه در دانشگاه خیلی واضح تر و شفاف تر از جاهای دیگر خود را نشان می دهد. به این معنا ۱۶ آذر امسال روز اعتراض از زاویه چپ و کاملاً سوسیالیستی به حکومت و سرمایه داری است. ۱۶ آذر سرخ و سوسیالیستی در واقع چنین وظیفه ای به عهده دانشجویان و فعالین دانشجویی می گذارد که به مسائل امروز جامعه پاسخی سوسیالیستی بدهند و در این روز اعلام کنند بربریت سرمایه داری را می خواهند با سوسیالیسمی که اساسش انسان است عوض کنند. شعار آزادی برابری هویت انسانی همین را می گوید. این به نظر من اهمیت و جایگاه ۱۶ آذر امسال است. امسال شرایط به خصوص به عنوان تهدید جنگی نیز جامعه را تهدید می کند، فارغ از اینکه جنگ صورت بگیرد یا نه سیاست چپ جامعه باید سرنوشتی حکومت و برقراری سوسیالیسم را در دستور خود بگذارد، این هم جواب امروز و هم جواب روزیست که جنگ احتمالی صورت گرفته باشد. علاوه بر مسئله جنگ که به صورت نه به جنگ نه به جمهوری اسلامی باید مطرح شود، شعارهایی که شهلا دانشفر نیز به آنها اشاره کرد در ۱۶ آذر امسال باید به طور برجسته ای مطرح شوند، چرا که اینها هم از اهم مسائل روز جامعه هستند. در واقع جنگ به بهانه ای تبدیل شده که مسائل عاجل جامعه فاکتور گرفته شوند و آزادی زندانی سیاسی، لغو مجازات اعدام و ... در پس ماجرا

قرار گیرند. چپ باید هوشیار باشد و مسائل مبهم و حیاتی برای پیشبرد مبارزه با جمهوری اسلامی را از دستور روزش خارج نکند، ضمن اینکه تا همین حالا هم بخشی از "اپوزیسیون" با طرح سیاست های غیر سوسیالیستی که آخرش قرار گرفتن در کنار جمهوری اسلامی و سید حسن نصرالله است، یا عده ای که می خواهند جمهوری اسلامی دوم با رفسنجانی و کروبی را زنده کنند توانسته اند بخشی از فعالین را در اتخاذ سیاست و شعارشان برای ۱۶ آذر دچار گیج سری کنند. این برای طیف چپ و سوسیالیست بسیار مهم است که این مباحث را دقیق تر دنبال کند و برای ۱۶ آذر شعار و مطالبات رادیکالی را در مقابل خود و جامعه بگذارد.

انترناسیونال: برای برپایی یک شانزده آذر با شکوه و بزرگ بر چه نکاتی تاکید دارید و کدام شعارها و خواستهها را فکر میکنید باید در دستور گذاشت؟

شهلا دانشفر: من در سوال قبل به خطیر بودن شرایط کنونی اشاره کردم. همچنین در مورد اهمیت این روز بحث شد. بنابراین اولین تاکید من جلب توجه رهبران و فعالین چپ و کمونیست در دانشگاهها و در بخش های مختلف جامعه به شرایطی است که به استقبال شانزده آذر میرویم. با توجه به این شرایط، شانزده آذر میتواند یک قدرتمندی بزرگ در مقابل جمهوری اسلامی و اعلام قطعی شکست سیاست سرکوب رژیم باشد. و با چنین قدرتمندی ای به دنیا نشان خواهیم داد که در ایران یک جنبش اعتراضی رادیکال، قدرتمند به جلوی صحنه آمده است که با عزم جزم خود برای یکسره کردن کار خود با این رژیم، سیاستهای نظم نوینی آمریکا و تصمیم گیری از بالای سر مردم را به شکست خواهد کشاند. بنابراین باید این شرایط را دریافت، باید اولویت های خود را با نیازهای این شرایط خطیر تعیین کرد و از همین رو با تمام قوا به استقبال یک شانزده بزرگ و با شکوه رفت.

دومین تاکید من اینست که با توجه به شانزده آذر سرخ و با شکوهی که در سال گذشته داشتیم، این شانزده آذر نیز میتواند و باید همچنان سرخ و با شکوه و طبعاً وسیعتر و قدرتمند تر از سال گذشته باشد. باید

بار دیگر سرخی پلاکاردها و شعارهای شانزده آذر جهان را مهیوت خود کند. شانزده آذری که شعار سوسیالیسم یا بربریت، آزادی برابری هویت انسانی، یک کره زمین یک انسان، مضمون اصلی شعارهایش را تشکیل دهد. در شانزده آذر باید با یک قدرتمندی بزرگ، نه بزرگ خود را به این رژیم و توحش سرمایه به نمایش بگذاریم.

سوم اینکه شانزده آذر فرصتی است که با تجمعات بزرگمان و با بیانیه ها و قطعنامه هایمان به جهان نشان دهیم که ما مردم، بدنه اصلی آن صف بشریت متمدنی هستیم که با مبارزاتمان و با شعار نه جنگ، نه بمب اتمی، آزادی برابری در مقابل دو قطب تروریست جهانی جمهوری اسلامی و آمریکا ایستاده ایم و راه اصلی خلاصی از جنگ و بمب و فقر و فلاکت را رهایی از این رژیم و به زیر کشیدن آن میدانیم و از همه انسانهای آزادیخواه در سراسر جهان میخواهیم که به کمپ ما بپیوندند. و بدین ترتیب باید استیصال صف ضدانقلاب و شکست تقلاهایش برای کشاندن مردم به زیر پرچم صلح و کنار جمهوری اسلامی را اعلام داریم.

و بالاخره اینکه در شانزده آذر باید رساتر از هر وقت با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، عزم خود را برای گشودن درب زندانها و گرفتن این ابزار سرکوب از دست رژیم به نمایش بگذاریم. در ادامه مبارزاتی که داشته ایم بخواهیم که دانشجویان زندانی، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. خواهان لغو همه احکام و پرونده هایی شویم که از سوی کمیته های انضباطی برای دانشجویان تعیین شده است و خواهان لغو احکام زندان و تبعید و بدور ریختن پرونده هایی شویم که برای فعالین سیاسی و رهبران جامعه تشکیل شده و دانما چماق زندان و سرکوب را بر روی سرشان قرار داده است.

بنابراین شعارهای ما در شانزده آذر روشن است و بدون شک این شعارها باید پاسخگوی شرایط امروز باشد. از جمله ما در شعارهایمان در شانزده آذر بار دیگر بر آزادی و برابری و بر سوسیالیسم بعنوان راه رهایی انسان تاکید میگذاریم. ما در

اطلاعیه در مورد برگزاری کنفرانس تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران

بدینوسیله به اطلاع می‌رسانیم که سیزدهمین کنفرانس کشوری تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران روز شنبه ۱ دسامبر در استکهلم برگزار خواهد شد. این کنفرانس به مدت یک روز (از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ بعد از ظهر) به طول می‌انجامد و شرکت عموم در آن آزاد است. این کنفرانس، عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری کسانی است که در عرصه‌های مختلف نبرد به دفاع از حقوق و حرمت انسان برخاسته‌اند.

صف انسان‌هایی که قاطعانه در مقابل رژیم ستم و سرکوب جمهوری اسلامی ایستاده است و برای سرنگونی و محکومیت آن در عرصه بین‌المللی مبارزه می‌کند. صف فعالین دفاع از حقوق کودکان، زنان و پناهندگان. کسانی که با بلند کردن پرچم سکولاریسم و جدایی دین از دولت خواهان کوتاه کردن دست مذهب از موازین سیاسی و اداری جامعه هستند. مخالفین سرسخت اسلام سیاسی! کسانی که در خارج

کشور صدای مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران را پژواک می‌دهند و جهانیان را به حمایت از این مبارزات فرامی‌خوانند. صف مخالفین جنگ و میلیتاریسم آمریکا و متحدینش و همچنین نماینده نه محکم و قاطع به جمهوری اسلامی! کسانی که برای رفاه، سعادت و خوشبختی انسانها مبارزه می‌کنند. ما همه انسانهای شریف و آزادیخواه و همه علاقمندان را فرا می‌خوانیم که در سیزدهمین

کنفرانس کشوری تشکیلات سوئد حزب کمونیست کارگری ایران شرکت کنند و با حضور و مشارکت خود صف کسانی که خواهان تغییر وضعیت موجود به نفع انسانیت هستند را تقویت کنند. در کنفرانس ما شرکت کنید و از نزدیک با فعالیتها، اعضا و کادرهای حزب در سوئد آشنا شوید! برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با شماره تلفن‌های زیر تماس بگیرید:

استکهلم - جمیل فرزاد -

۰۷۰۳۶۱۰۲۷۹

گوتنبرگ - صابر نوری -

۰۷۰۴۰۲۷۰۰۷

مالمو - فریده آرمان -

۰۷۰۳۶۳۸۰۸۸

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران - سوئد

۱۹ نوامبر ۲۰۰۷

از صفحه ۱ به استقبال ۱۶ آذر می‌رویم ...

تهران، صف بندی‌های بسیار قطبی شده‌ای در دانشگاه مشاهده می‌شود، چپ که خود شامل طیفی از فعالین و گروه‌هاست و راست مقابل هم ایستاده‌اند و ۱۶ آذر نیز که یکی از موارد مهم بحث طرفین بوده، نزدیک است. راست و چپ در این روز قرارست به مصاف هم بروند. طی چند روز گذشته نیز بحث‌هایی بین فعالین چپ دانشجویی در جریان بود که البته این بحث‌ها همیشه باید در جریان باشند ولی این‌ها داشتند به دغدغه اصلی برخی از فعالین چپ در دانشگاه‌ها تبدیل می‌شدند که با نزدیک شدن ۱۶ آذر این بحث‌ها فعلاً حاشیه‌ای شده و فعالین دارند خود را برای این روز آماده می‌کنند. تراکت‌هایی هم صادر شده

شازده آذر با شعار یک انسان یک کره زمین، بر هر گونه تلاشی برای دامن زدن به ناسیونالیسم و ایجاد تفرقه قومی خط بطلان خواهیم کشید. ما در شازده آذر با شعار نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی اعتراض خود را علیه این سمبل‌های ارتجاع اسلامی بلند می‌کنیم. ما شازده آذر را با شعارهای نه جنگ نه بمب آزادی برابری، ما انرژی هسته‌ای نمی‌خواهیم، جنگ نمی‌خواهیم، حق و حقوقمان را می‌خواهیم، نخواهیم گذاشت که مبارزات ما را تحت گفتمان جنگ به حاشیه برند. ما با شعارهایمان این روز را به روز نه بزرگ خود به رژیم اسلامی تبدیل خواهیم کرد.

انترناسیونال: روشن است که شازده آذر تنها روز دانشجوی نیست، روز اعتراض کل جامعه است. اما مرکز ثقل آن طبعاً دانشگاه است. هم اکنون در دانشگاه‌ها چه می‌گذرد؟ وضعیت را چگونه می‌بینید؟ کلاً انتظار شما از شازده آذر امسال چیست؟

نویسنده: امسال با توجه به اعتراضات بسیاری که در دانشگاه‌ها به ویژه به دستگیری دانشجویان صورت گرفت سال بسیار پرتحرکی را در دانشگاه‌ها شاهد بودیم. از همان روزهای ابتدای مهر و ۱۶ مهر و ماجرای احمدی نژاد در دانشگاه

سرنگونی نیست بلکه فعلاً دوچار جنگ زدگی! شده و سوسیالیسم و سرنگونی را فراموش کرده‌اند و تمام تلاششان برجسته کردن این مسئله است که گویا شیرازه جامعه از هم خواهد پاشید و اینکه باید با اتکا به سناریوهای غیر انقلابی جلوی آن را گرفت. این اتفاق البته همه دانشگاه و فعالین را در بر نمی‌گیرد و سیاست سرنگونی با شعارهای سرخ‌اش در مقابل جنگ هم طرفداران زیادی در دانشگاه‌ها دارد ولی می‌خواهم فضای عمومی را برایتان ترسیم کنم و در واقع بگویم خود همین جنگ هم صف بندی‌های جدید ایجاد کرده و یک بار دیگر بر سیاست حزب کمونیست کارگری تاکید کنم که کلید حل مسئله در ایران چه در حالت جنگی و چه غیر از آن سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم و در راس آن طبقه کارگر است که این باید به موضع‌گیری چپ در دانشگاه تبدیل شود.

راستش انتظار من از ۱۶ آذر اینست که دانشگاه به عنوان زبان جامعه پاسخی سرخ و سوسیالیستی به مسائل روز جامعه بدهد، به جنگ به مسئله اعدام و زندانی سیاسی و زن و ... و این پاسخ باید در شعارهای سرنگونی طلبانه خود را نشان بدهد. مثل همین آزادی برابری، آزادی زن آزادی جامعه است، مرگ بر دیکتاتور و غیره این‌ها فقط شعارهایی نیستند که عده‌ای در یک روز خاص مثل آئینی مذهبی تکرار می‌کنند، این‌ها مطالبات جامعه هستند که

دانشجو هم بر آن تاکید دارد و خواهان رسیدن فوری به آنهاست و این یعنی ادامه مبارزه با یک خط و هدف روشن و سوسیالیستی. انتظار من برگزاری یک ۱۶ آذر سرخ و سوسیالیستی است. پیش به سوی آزادی و برابری و هویت انسانی.

انترناسیونال: بدین ترتیب با توجه به بحث‌های تاکتونی و نکاتی که بر آنها تاکید داشتید، فکر می‌کنید فوکوس و مسائل محوری این شازده آذر چه باید باشد؟

شهلا دانشفرو: در پاسخ به دو سؤال قبل به نوعی به این سؤال پاسخ دادم. بنابراین اگر بخواهم فوکوس اصلی و مسایل محوری شازده آذر را توضیح دهم، بر محورهای زیر تاکید می‌گذاریم:

- ۱- متحد شدن صف رهبران اعتراضی در این روز برای برپایی یک شازده آذر بزرگ و قدرتمند.
 - ۲- شازده آذر باید رنگ اعتراضات امروز جامعه را داشته باشد و سرخ و رادیکال باشد
 - ۳- شازده آذر باید با شعارهایش و با قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایش، صدای اعتراض جامعه علیه این رژیم و علیه نظم نوین آمریکا را بلند کند و عزم جزم خود را برای ساختن دنیایی بهتر اعلام دارد
- و در آخر می‌خواهم اینجا یک بار دیگر تاکید کنم که امروز شرایط برای برپایی چنین روز تاریخی کاملاً فراهم است. باید برایش خود را آماده

کنیم و با تمام قوا به تدارک یک شازده آذر بزرگ برویم.

انترناسیونال: شما بعنوان دبیر سازمان جوانان کمونیست، آخرین صحبتتان با فعالین و دست اندرکاران سازمانده این روز چیست؟

نویسنده: من در سوال قبلی با توجه به انتظارم از این روز خطوط بحث را روشن کردم، ولی اینجا می‌خواهم بر روی اتحاد عمل چپ، تعرضی برخورد کردن و خود را صاحب دانشگاه و رهبر دانشجوی دانستن چپ تاکید کنم. چپ و سوسیالیسم امروز در جامعه و دانشگاه مقبولیت دارد و فعالین چپ در کارخانه و دانشگاه به عنوان رهبر باید ظاهر شوند و جواب سوسیالیستی را به جامعه نشان دهند. فعالین چپ باید جایگاه خود را بدانند و از موقعیت خود بهره بگیرند، حول شعارهای مشترک و رادیکال اتحاد عمل برای ۱۶ آذر شدنی و لازم است. بیانیه‌ای آتشین و سوسیالیستی با شعارهای سرخ و آزادی خواهانه لازم است. امسال ۱۶ آذر می‌تواند در سایه اتحاد عمل حول شعارهای مشترک چپ شاهد تولد تشکلات مستقل و سراسری دانشجویی که قبلاً در باره اش صحبت کرده‌ایم هم باشد که در این صورت چپ و توده دانشجوی گام بسیار بزرگی در مبارزاتشان علیه حکومت سرکوب و ارباب بر می‌دارند.*

**مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

اسپانسرهای تامین مخارج تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در ماه نوامبر

انگلستان:	فنلاند:
جلیل جلیلی	۱۰۰۰ کرون سوئد
بهرام سروش	۵۰۰ کرون سوئد
پونه راوری	فرانسه:
سهیلا شریفی	۱۰۵ یورو
بهار میلاتی	۱۵ یورو
کیوان جاوید	کانادا:
	۲۰۰ دلار
	۲۰۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۲۰۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۳۰۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۲۵۰ دلار
	نروژ
	۵۰۰ کرون
	هند:
	۲۰۰ یورو
	امریکا:
	۶۰۰ دلار
	۶۰۰ دلار
	۳۰۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۵۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۲۰ دلار
	۲۰ دلار
	۱۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۷۰ دلار
	۱۰۰ دلار
	۲۰ دلار
	۵۰ دلار
	۳۰۰ دلار
	۲۰۰ دلار
	۳۰۰ دلار
سوئد:	مسعود ارژنگ
فریده آرمان	ایرج عبدالهی
آذر پویا	مهران محبوبی
محمد علی نیا	نینا تابان
افسانه وحدت	فریدون فرهی
شهاب ...	عباس ماندگار
غلام اکبری	مسعود آذرنوش
گیتی آقاجانی	طهمینه صادقی
کریم شامحمدی	صابر آزاد
حسن صالحی	جمشید هادیان
سیامک بهاری	خانم و آقای گیوی
کیمیا پازوکی	یدی محمودی
شاهو پیرخضرائیان	سیروس مهدیزاده
هوشیار سروش	
علی یاور	
زهره فرید	
رزگار رضایی	
سوسن صابری	
منصور فرزاد	
م - الف. گوتنبرگ	
توسط عبدالله اسدی	
توسط کمیته گوتنبرگ	
مراد شیخی	
آلمان:	
محبوبه سیاهمردی	
مهین درویش روحانی	
محمد کریمی	
شهناز مرتب	
سیامک مکی	
حمید رحیم پور	
مهین کوشا	
مینا احدی	
فرزانه درخشان	
نوبید محمدی	
	عمر معروفی
	امیر توکلی
	یدی کوهی
	Etienne
	هادی رحیمی
	بهمن ذاکر نژاد
	عباس ایاغ
	سهراب وفا
	برادران اهواز
	شاهین ۲۱۵
	شهرام
	نادر ۳۵
	آروین
	حسین
	منصور بختیاری
	یاسمن
	سعید صالحی نیا
	وفا تبریزی
	کسرا
	حسن
	آقای حمیدی
	نیما آزاده
	نوشا طاهری
	۱۰۰ پوند
	۱۰۰ پوند
	۲۰۰ پوند
	۵۰۰ پوند
	۱۰۰ پوند
	۱۵۰۰ کرون
	۱۵۰۰ کرون
	۱۰۰۰ کرون
	۲۰۰۰ کرون
	۲۰۰۰ کرون
	۵۰۰ کرون
	۵۰۰ کرون
	۱۰۰۰ کرون
	۱۰۰۰ کرون
	۱۵۰۰ کرون
	۲۰۰۰ کرون
	۲۰۰۰ کرون
	۵۰۰ کرون
	۱۰۰۰ کرون
	۱۰۰۰ کرون
	۶۰۰۰ کرون
	۲۵۰۰ کرون
	۲۵۰۰ کرون
	۲۰۰۰ کرون
	۲۶۰۰ کرون
	۴۰۰ کرون
	۲۰۰ یورو
	۲۰۰ یورو
	۲۰۰ یورو
	۱۰۰ یورو
	۱۰۰ یورو
	۱۵۰ یورو
	۲۵ یورو
	۲۰۰ یورو
	۵۰۰ یورو
	۲۰ یورو
	۲۰۰ یورو

ستون اول

از صفحه ۲

اسلامی، سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و جنگ و صلح و سازش و تخاصمشان، در مقابل کل بربریت سرمایه، پرچم سوسیالیسم و انقلاب سوسیالیستی، آزادی برابری هویت انسانی را بر افراشت. این راه حل و پاسخ حزب ما، و مردم معترض و به تنگ آمده از وضع موجود در قبال جنگ و کل شرایط حاضر است. *

عملا در خدمت حکومت و سیاستهای جنگی بالائینها قرار میگیرد. در برابر جنگ بین دولتهای بورژوازی باید به جنگ طبقاتی علیه بورژوازی متکی شد. اگر کسی واقعا خواهان صلح، جلوگیری از سناریوی سیاه و مقابله با نیروهای قومگرا است باید به صف انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی به پیوندد. باید در برابر کل حکومت

اسلامی است. واقعیت اینست که هر نوع سیاست ضد جنگی که جنبش عظیم اعتراضی امروز مردم علیه جمهوری اسلامی را نبیند و در مقابله با خطر جنگ، بحران اتمی و هر نوع تغییر و تحولی که میخواهند از بالای سر مردم به جامعه تحمیل کنند به قدرت مبارزه و جنبش انقلابی مردم متکی نشود

نمیتوان به عقب برگرداند. نمیتوان به بهانه جنگ دوباره افق و خط و سیاست نوع دو خردادی را به خورد مردم داد. راه مردم انقلابی و راه حزب ما در مقابله با خطر جنگ تشدید و تاکید بیشتر بر مبارزات مردم علیه جمهوری

آورده است. در همین دوره ای که مساله بحران اتمی حاد بوده و خطر جنگ بر بالای سر جامعه قرار داشته است ما شاهد رشد گرایش و شعارها و بیانیه ها و قطعنامه های سوسیالیستی در مبارزات و اعتراضات مردم بوده ایم. زمان را

زنده باد ۱۶ آذر سرخ و سراسری! "آزادی، برابری، هویت انسانی!"

دانشجویان سراسر کشور!

سه چهار سال گذشته، ۱۶ آذر با برافراشتن شعار "آزادی و برابری"، "نان و آزادی برای همه" و "سوسیالیسم یا بربریت"، با شعارهایی علیه حجاب و آپارتاید جنسی، برای آزادی زندانیان سیاسی، برای آزادی تشکل و فعالیت سیاسی، با تاکید بر همبستگی دانشجویان با جنبش کارگری و جنبش رهایی زن، زبان گویای خواست ها و تمایلات جامعه ایران بوده است. در اوضاع خطیر امسال ۱۶ آذر باید وسیع تر و پرقدرت تر و شفافتر از همیشه نماینده اعتراض مردم ایران باشد.

جوهر تحولات کنونی بر خلاف هیاهویی که بالایی ها و اپوزیسیون غیر کارگری حول "جنگ" و "صلح" راه انداخته اند، در واقع تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی است. دو

راه حل اصلی برای حل بحران جمهوری اسلامی در برابر هم صف آرای می‌کنند. راه حل کارگری، راه حل بورژوازی، راه حل انسانیت، راه حل بربریت. کسانی می‌خواهند جمهوری اسلامی را تحت لوای "صلح و حقوق بشر" تطهیر کنند، کسانی تحت شعار "نه جنگ" عملاً مردم را به تمکین به وضع موجود و رژیم موجود فرا می‌خوانند و یا کسانی بند پوتین هایشان را سفت می‌کنند که اگر جمهوری اسلامی نوع دوم افاده نکرد، زیر باران بمب ها و کروزها برای "رژیم پنج" وارد عمل شوند. در برابر این صف بربریت، صف انسانیت ایستاده است. کارگران و زنان و جوانانی که نه رژیم اسلامی را می‌خواهند، نه وضع موجود را تحمل می‌کنند، نه جنگ و رژیم پنج حضرات را می‌خواهند و نه حاضرند به زور هیاهوی ضد جنگ با رژیم

صلح کنند. در دنیای واقعی تمام کسانی که از جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند، خواهان حل بحران جمهوری اسلامی از بالای سر مردم هستند، تمام کسانی که با هیاهوی "ضد جنگ" و "سناریو سیاه" و غیره مردم را به عقب صحنه می فرستند، خود یا بدترین جنگ طلبان اند و یا با از میدان بدر کردن مردم به جنگ طلبان و دشمنان مردم خدمت می‌کنند. تا وقتی جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی در یکسو و آمریکا و میلیتاریسم دول غربی در سوی دیگر هستند، خطر جنگ وجود خواهد داشت و باید با آن مقابله کرد. اما کسی که واقعا "ضد جنگ" است و برای "صلح" تلاش می‌کند باید صدارت قاطع تر برای متشکل کردن مردم علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی و برابری و برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم و

برقراری جمهوری سوسیالیستی تلاش کند و به صف انسانیت پیوندد. ۱۶ آذر امسال باید عرصه برافراشتن شعارها و مطالبات صف انسانیت، صف آزادی و برابری و سوسیالیسم در برابر وضع موجود باشد. هم اکنون نیروهای راست و پرو رژیم در دانشگاه میکوشند تا در پناه تهدید خطر جنگ و هیاهویی که اپوزیسیون غیر کارگری راه انداخته است، چه بطور فیزیکی و چه از لحاظ سیاسی در برابر ۱۶ آذر سوسیالیستی صف آرای کنند. اما ما قبلاً هم دیده ایم که چپ و رادیکالیسم در دانشگاه دست بالا دارد. امسال با توجه به اتفاقات ۱۶ مهر (اعتراض در برابر حضور احمدی نژاد) و ۳۰ مهر (تظاهرات برای آزادی زندانیان سیاسی) و با توجه تحرك چشمگیر دانشجویی در

شهرهای مختلف، و با توجه به اوضاع سیاسی جامعه و گسترش اعتراضات کارگری و توده ای علیه جمهوری اسلامی، انتظار می‌رود که ۱۶ آذر حتی پرقدرت تر و سوسیالیستی تر از همیشه باشد. ما فرامی‌خوانیم که با تمام قوا برای برپایی ۱۶ آذر سوسیالیستی تدارک ببینند و زمینه یک اتحاد و همبستگی و تشکل سراسری دانشجویان را فراهم آورند.

زنده باد ۱۶ آذر سرخ و سراسری
نه جمهوری اسلامی، نه جنگ،
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سازمان جوانان کمونیست

۲۶ نوامبر ۲۰۰۷

از صفحه ۱ شورای ملی صلح ...

بشر آری" باردیگر سر و سامانی به خود بدهد و تلاش کند تا یک جمهوری اسلامی "خوش خیم"، "حقوق بشری" و "دمکراتیک" را بعنوان راه نجات به مردم عرضه کند!

تمام "صلح خواهی" حضرات در این خلاصه میشود که جمهوری اسلامی با حفظ "انرژی هسته ای حق مسلم ماست"، از لگد پرانی های اسلامی و مزاحمت برای غرب و آمریکا دست بردارد و کمی عطر و گلاب "حقوق بشر" به خود بزند، و در عوض آمریکا و غرب هم دست از تهدید جنگ و تحریم و فشار سیاسی بردارند و با این "جمهوری اسلامی دوم" در صلح و صفا زندگی کنند. این ادامه پروژه های شکست خورده "گفتگوی تمدنها" و "سید خندان" و بعد "زن مسلمان برنده جایزه صلح نوبل" و "خاتمی مونث" است که حالا در شرایط جنگی با بسته بندی "صلح و حقوق بشر" عرضه میشود.

اگر جمهوری اسلامی و غرب نتوانستند با آنچه خرج و تبلیغات، این پروژه ها را در دوره "گل و بلبل" دوم خرداد به مردم بفروشند، حالا سعی میکنند با تهدید جنگ و مخاطراتش زمینه مقبولیتش را فراهم کنند. هنوز جنگی شروع نشده، "برکات الهی" آن برای جمهوری اسلامی از آسمان فرو میریزد! قرار است مردم دست از مبارزه و حق طلبی و سرنگونی طلبی بردارند و به سیاهی لشکر صلح و سازش حکومت آمریکا و حکومت اسلامی علیه خودشان تبدیل شوند!

زمینه این ابتکار جنگی اپوزیسیون ملی اسلامی، بالا گرفتن اختلافات و جدالهای درونی جمهوری اسلامی ناشی از بحران همه جانبه این رژیم و در آستانه مضحکه انتخابات و تحرك سیاسی خاتمی و کروی و رفسنجانی در مقابل احمدی نژاد و خامنه ای

است. بی دلیل نیست که شورای صلح کذایی با یک دو قلو بنام "کمیته انتخابات آزاد"، که مبتکر آن هم شیرین عبادی است، متولد شده است. "شورای ملی صلح" نهایتاً تلاشی برای احیا و متحد کردن نیروهای اپوزیسیون پرو رژیم (از نهضت آزادی گرفته تا اکثریت و انواع "جمهوری خواهان ملی") بر علیه "جناح تمامیت خواه" رژیم اسلامی با پا درمیانی مردم منزجر از جنگ است. "شورای ملی صلح" به یک معنی ستاد انتخاباتی خانم عبادی و شرکا برای حمایت از سر کار آمدن آخوندهای "حقوق بشری" و "دمکراتیکی" مثل رفسنجانی و خاتمی است.

تا وقتی جمهوری اسلامی بر سرکار است- چه هنگام مناقشه و جدال و جنگ تروریست های اسلامی و تروریسم دولتی غرب، و چه در دوره مصالحه و سازش و همکاری ایندو با هم- سهم مردم ایران جز فقر و فلاکت و زندان و اعدام و سنگسار و حجاب و آپارتاید

جنسی و بی حقوقی نیست. همین مردم اما یکبار دوم خرداد و همه پروژه های نجات رژیم اسلامی (از خاتمی تا عبادی و غیره) را با ۱۸ تیرها و کنفرانس برلین ها و اعتصابات کارگری خود شکست داده اند. نه فقط شکست دادند که "سونامی" احمدی نژادی اش را هم عقب رانده اند و اکنون هر روز بیش از روز قبل چپ و سوسیالیسم و رادیکالیسم و آزادیخواهی در جامعه سر بلند میکند. به حضرات مدافع حفظ و نجات رژیم اسلامی اطمینان میدهم که این مردم و این جنبش بالنده آزادی و برابری که یکبار ایشان را شکست داده است، در دوره تهدیدات جنگی و عربده کشی دو قطب تروریستی اسلامی و دول غربی، مصمم تر و محکم تر به میدان خواهد آمد. به میدان خواهد آمد علیه جنگ و تحریم اقتصادی، علیه جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی، علیه میلیتاریسم دول غربی، علیه سیاست های نظم نوینی، علیه هر نوع ناسیونالیسم،

علیه هر تلاشی که بخواهد به نام جنگ یا صلح مردم را پس بزند و جنایتکاران را توجیه کند. ما به این دوستان اپوزیسیون پرو رژیم توصیه می‌کنیم که از شکست دوم خرداد درس بگیرند و از توجیه رژیم اسلامی و تقلای احیا و ثبات و تقویت جمهوری اسلامی دست بردارند. مردم ایران از جنگ متنفرند و از بنیان جنگ و عوارض فضای جنگی هم منزعجند و حاضر نیستند به سیاهی لشکر دشمنانشان تبدیل شوند. برای پایان دادن به خطر جنگ و ناامنی و فلاکت، کارگران و مردم ایران میدانند که راهی جز گسترش مبارزه رادیکال برای به شکست کشاندن سیاستهای جنگ طلبانه دو قطب تروریستی و سرنگونی جمهوری اسلامی وجود ندارد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکب بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ نوامبر ۲۰۰۷، ۲۹ آبان ماه ۱۳۸۶

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.